

## دمکراسی و تکنولوژی‌های جدید<sup>۱</sup>

از: کین هیرش کاپ

ترجمه: پرویز صداقت

تغییر اجتماعی بدون تغییری در روابط اجتماعی - بدون رنج، مبارزه، بارگناه و بدون ایثاری که تغییر اجتماعی مستلزم آن است - مدت زمان درازی است که رؤیای نوع ویژه‌ای از تفکر سوسیالیستی و سوسیال دمکراتیک بوده است.

همواره افرادی بوده‌اند که می‌پندارند با مصرف کارآمدتر منابع موجود، با مدیریت عقلانی تر اقتصاد یا سیاست، یا صرفاً بدین ترتیب که بگذاریم «پیشرفت» مسیر خود را طی کند، می‌توان زندگی اجتماعی را دگرگون ساخت. در این سناریوها، هیچ لحظه مبارزه و یا لحظه شکستی وجود نخواهد داشت، زیرا تغییر از بیرون حوزه روابط اجتماعی، از علم، جامعه‌شناسی و یا مذهب سرچشمه می‌گیرد. در اواخر سده بیستم، جهان «بی‌جان» ماشین‌آلات و تکنولوژی مسئولیت درمان بیماری‌های اجتماعی را، بدون ایجاد ناراحتی در دیگران، گرفته‌اند. مدافعان دگرسانی تکنولوژیک در برابر اتوپیا‌های اجتماعی که رادیکال‌های سیاسی عنوان می‌کنند، ادعا و وعده کرده‌اند که آنها قادرند این اتوپیاها را بدون تغییر وضع سیاسی موجود بنا نهند. در این گونه تعبیرهای پس از جنگ دوم جهانی که بر اثر شگفتی‌های تحول تکنولوژیک پدید آمد، بر حذف فقر و وعده غذای ارزان (مانند آن چه در به

اصطلاح «انقلاب سبز» وعده شد، کالاهای مصرفی ارزان، شیوه زندگی راحت تر و دستمزدهای فزاینده تأکید می شود. اما با ظهور انواع جدید تکنولوژی اطلاعاتی، این ادعاها گسترش یافته است. نوآوری های فنی در پردازش و ارتباطات اطلاعاتی نه تنها به عنوان تجدید حیات اقتصادی، که نیز به مثابه دگرسانی زندگی سیاسی مطرح شده است، و وعده رفاه بیشتر و دمکراسی گسترده تر را طی اقدامی سریع دربردارد. از نیوت گینگریج<sup>۲</sup> تا قائم مقام گر<sup>۳</sup>، از بنیاد مرز الکترونیک<sup>۴</sup> تا کم و بیش لایه های انبوه سیبر - آنارشیست ها<sup>۵</sup> و فمینیست ها، شکل های جدید مخابرات و تجهیزات کامپیوتری قابل حمل را موتورهای روابط اجتماعی و سیاسی جدید و دمکراتیک تلقی می کنند. شهروند سده بیست و یکم، با یک کامپیوتر شخصی و یک مودم<sup>۶</sup>، به عنوان سخن گوی جدیدش، از دمکراسی ای بهره خواهد برد که برای نسل های محروم و سرکوب شده قبل تصورناپذیر بود.

### تکنولوژی های توده یی؟

این تکنولوژی های اطلاعاتی جدید چیست؟ در چهارچوب هدف های بحث حاضر، دو رشته تحول مهم تکنولوژیک در دو دهه گذشته وجود داشته است. یکی ایجاد و توسعه «کامپیوتر شخصی» و نرم افزار همراه با آن است - در واقع، یک کامپیوتر با قدرت پردازش و حافظه یی قوی که برای استفاده انبوه (خواه در محل کار یا در خانه) طراحی شده و به عنوان یکی از اقلام مصرفی خانوار برای خرید در دسترس است. درجه تحول تکنولوژیک که در کامپیوتر شخصی متبلور شده (که در این چهارچوب شامل کامپیوترهای کوچکی است که اپل مک اینتاش<sup>۷</sup> می سازد) برای همه آشکار است و در شکل کالایی نسبتاً گران (گران تر از یک ماشین لباس شویی و ارزان تر از یک اتومبیل)، امروزه یک فرد امروزه به قدرتی محاسباتی بیشتر از آنچه یک نهاد مهم آموزشی در سی سال قبل، احتمالاً، در اختیار داشت

دسترسی دارد. به موازات تحول در سخت‌افزار کامپیوتر شخصی، تحول صنعتی نرم‌افزاری که برای توده طراحی شده، نه متخصصان، وجود داشته است. ایجاد «رابط گرافیکی کاربر»<sup>۸</sup> (زبان نمادین)<sup>۹</sup> سیستم اپل مک‌اینشاس و ویندوز) و برنامه‌های «خوش‌کار»<sup>۱۰</sup> استفاده از کامپیوتر را تجربه‌ای ساخته که به لحاظ فنی چندان ارباب‌انگیز نیست و طی یک دوره کوتاه (طبعاً براساس موضوع صنعت)، نه تمرین طولانی، برای آموزش آن کافی است.

هم‌چنان که زبان کامپیوتری قابلیت دسترسی بیشتری یافته، موضوعات «مکالمه» کامپیوتری<sup>۱۱</sup> گسترش پیدا کرده است، از این رو کامپیوترهای جدید می‌توانند در خدمت طیفی از کارکردهای تفریحی، آموزشی، خانوادگی و اقتصادی قرار گیرد. بازار اصلی کامپیوتر شخصی همچنان در ادارات است، نه در منازل و بسیاری از مدل‌ها با چنین منظوری طراحی می‌شود. وانگهی آنچه ابتدا در عمل یکی از اقلام «صنعت پرهزینه اطلاعاتی» به‌شمار می‌رفت، اکنون به یکی از اقلام مصرفی تبدیل شده است که در دسترس غیرمتخصصان است. رشته دوم «انقلاب» در مخابرات است که انتقال انواع جدید اطلاعات را در حجم و سرعتی امکان‌پذیر کرده است که پیش از این تصورناپذیر بود. نمادهای همگانی این دگرسازی ماشین فاکس، تلویزیون کابلی و اینترنت هستند. همگام با تحولات در محاسبات، این وسایل معمولاً انتقال مقادیر انبوهی از داده‌ها را در مقیاسی جهانی و واقعاً به‌طور آنی امکان‌پذیر کرده‌اند و تعامل<sup>۱۲</sup> کامپیوترهای دراختیار و مالکیت افراد را ممکن ساخته‌اند. در این مورد، ترجمان کمیت به کیفیت نسبتاً بی‌واسطه است؛ مقادیر جدید داده‌ها به معنی انواع جدید داده‌ها، نه فقط ارقام بلکه متون پیچیده، تصاویر و صداها، و همچنین امکان هماهنگ‌سازی آنها است.

دگرسازی تکنولوژی‌های انتقالی، کابل‌گذاری و توسعه تکنولوژی‌های سخت‌افزاری را دربر می‌گرفت، اما صنعت نرم‌افزاری خاص خود را نیز شکوفا کرد.

در مجموع این تکنولوژی‌ها امکان دادند که یک غیرمتخصص از کامپیوتری استفاده کند که مجهز به قدرتی برای بهره‌برداری ماهرانه از متن‌ها و تصاویرها و ارتباط با سایر کامپیوترها در مقیاسی جهانی است. طبعاً قدرت‌های اقتصادی تمایلی ندارند که در همین نقطه توقف کنند. آنها می‌خواهند خدمات کامپیوتری را با شبکه‌ای پیوند دهند که با تلویزیون کابلی و تلفن برقرار شده است، بدین ترتیب خانوار آینده تمامی ارتباطات الکترونیکی خود را با جهان خارج از طریق خدماتی واحد و به غایت سودآور برقرار می‌کند. این به همان اندازه طبیعی است که مبارزه اقتصادی حادی برسر شکل این ادغام وجود داشته باشد، زیرا در اینجا مانند هر جای دیگر، ضرورت یک نظام واحد ارتباطی با آنا‌رشی بازار در تنازع قرار می‌گیرد.

مثال کم و بیش روشنی را در نظر بگیرید. میکروسافت تولیدکننده اصلی نرم‌افزارهای کامپیوتر شخصی، تسلط خود را بر بازار بدین ترتیب تضمین کرده است که تولیدکنندگان کامپیوتر ناگزیر شوند برنامه ویندوز را به عنوان بخشی از بسته نرم‌افزاری اصلی در نظر بگیرند. اما وقتی این کامپیوترهای شخصی در شبکه‌های کامپیوتری قرار گرفتند، نرم‌افزارهای دیگر که لازمه این خدمات شبکه‌ای جدید بود به کار گرفته شدند و میکروسافت می‌بایست با یک مبارزه تهاجمی برای ایجاد خدمات شبکه‌ای و نرم‌افزار خاص خود واکنش نشان می‌داد. هر قدر هم یک نظام یک پارچه مطلوب باشد، هیچ‌کس نمی‌آید سهم خود را از بازار فدای آن کند.

از تاریخ این تکنولوژی به خوبی آگاهیم که اکنون مورد بحث نیست. هم نرم‌افزار و هم سخت‌افزار مربوط به اینترنت در نهادهای تحقیقاتی خصوصی و عمومی توسعه یافت که عمدتاً وابسته به منابع مالی وزارت دفاع امریکا هستند، در عین حال تکنولوژی کامپیوترهای کوچک به وسیله تولیدکنندگان خصوصی سخت‌افزار توسعه یافت که کوشش‌شان را اساساً معطوف به نیازهای شرکت‌ها برای بهره‌برداری از اطلاعات و انتقال آن کرده بودند. کسی انکار نمی‌کند که تکنولوژی اطلاعاتی،

قاطعانه در توسعه فوق‌العاده فعالیت‌های خدماتی مالی و تغییر موسوم به «پسافوردیسم» در سازمان تولید تبلور می‌یابد. هرچند اینترنت به‌عنوان یک فعالیت خدماتی «دولتی» طراحی شد، این تکنولوژی‌های جدید به‌عنوان خدمات عمومی شناخته نمی‌شوند. آنها فرآورده تحقیقات شرکت‌ها یا تحقیق و توسعه دولتی - نظامی بودند و همچنان هستند. وانگهی، نتیجه نهایی چیزی است که احتمالاً هیچ‌کس به‌جز برخی نویسندگان آثار علمی - تخیلی پیش‌بینی نکرده بودند.

چون تکنولوژی‌های جدید در عمل استفاده از کامپیوتر را «جهانی» کرده‌اند، منابع آن اگرچه پیش از این تکنولوژی «پیشرفته» و گران بودند، اکنون در سطح وسیعی در دسترس است. در مقاله کامپیوتر و سرمایه‌داری نوشته نیکلاس باران به درستی بر این نکته توجه شده که در صنعت کامپیوترهای شخصی تأکید بر ماشین‌های بسیار پیشرفته است که قدرتی بیش از آن دارند که متناسب با «کاربر - شهروند» است، اما این دلیلی بر ورود کامپیوترهای شخصی به طیف کالاهای قابل خرید است؛ اگرچه گاه شاید استفاده از کامپیوتر کلافه‌کننده و زجرآور است، نرم‌افزارهای جدید اطلاعات کامپیوتری را یک پدیده توده‌ای کرده است. استفاده از یک کامپیوتر شخصی و ایجاد ارتباط از طریق شبکه ارتباطات بین‌المللی نه‌نیازمند منابع مالی فوق‌العاده و نه معادل یک درجه دانشگاهی است. امروزه حتی در کشورهای ثروتمندتر صنعتی یک اقلیت به اینترنت و منابع کامپیوتر شخصی دسترسی دارد، اما در بسیاری از کشورها دسترسی به این امکانات یک واقعیت بالقوه است.

اما دسترسی به چه چیزی؟ در عین حال که بخش اعظم امکاناتی که تبلیغ می‌شود بی‌کران به نظر می‌رسد، آنها به‌دو نوع اصلی ارتباطات تقسیم می‌شوند. از یک سو کامپیوتر شخصی همراه با داده‌های ذخیره شده بر دیسک، یا دیسک‌های فشرده، و از سوی دیگر استفاده از اینترنت، دسترسی به منابع اطلاعاتی و آموزشی را فراهم می‌آورد که به داده‌های کامپیوتری ترجمه شده است.

این منابع می‌تواند آمیزه‌ای از متن‌ها، صداها، یا تصاویر باشد و توان پیمایش و دنبال کردن انواع خاصی از اطلاعات، خواه اسناد مباحثات، جدول زمانی آموزشی و خواه نقشه یک مکان خاص، کم‌ترین امکانی است که در دسترس کاربر است. یک کامپیوتر که در شبکه قرار داشته باشد در عمل پایانه‌ای است که می‌توان با آن از مزیت دسترسی به انواع بسیار متنوع «بایگانی‌های» کامپیوتری که روزانه به هنگام می‌شوند بهره برد. در زمینه دسترسی به اطلاعات در تبلیغات به یک نکته اشاره می‌شود: تکنولوژی‌های جدید نشان‌دهنده یک جهش عظیم است.

نوع دوم خدمت تعامل میان کاربرهای منفرد است. ارتباطات شبکه‌ای میان کاربرهای منفرد و شکل‌گیری تدریجی شبکه‌هایی هرچه پیشرفته‌تر، نوع جدیدی از مکالمه‌های نوشتاری را امکان‌پذیر کرده است. این تعامل در کم‌اهمیت‌ترین شکل‌اش به وسیله پست الکترونیکی ارائه می‌شود، پست الکترونیکی در مقیاسی بین‌المللی تبادل سریع مکاتبات را که در عصر پیشین امتیازی برای اشراف شهرنشین بود به امری مردمی تبدیل می‌کند. امکان تاحدودی جدید به اصطلاح فهرست‌های مباحثه<sup>۱۳</sup> و خبرنامه‌های الکترونیکی<sup>۱۴</sup> است که یک نوع تربیون آزاد دائمی پدید می‌آورد که در آن هر فرد با دسترسی به یک پایانه می‌تواند مشارکت داشته باشد. به علاوه این موارد دامنه‌ای سریع‌تر و نیز بین‌المللی‌تر از هر چیزی دارد که در دهه گذشته امکان‌پذیر بود.

از همه مهم‌تر تعامل نهایی و به لحاظ تکنولوژیکی مکالمه‌های «هم‌زمان»<sup>۱۵</sup> بر روی صفحه نمایش است که در آن نوشته و نیز پاسخ به آن بی‌درنگ پدیدار می‌شود؛ این امر نشان‌نگر آمیزه جدیدی از انواع ارتباطات است؛ به لحاظ مقیاس زمانی «شفاهی»، به لحاظ شکل «نوشتاری» و به لحاظ دامنه «الکترونیکی».

باتوجه به تازگی مکالمه‌های هم‌زمان به عنوان شکلی از ارتباطات، شگفت‌آور نیست که این شکل بیش‌ترین نظرها را به خود جلب کرده است. امکان مکالمه که به

لحاظ سنتی صمیمانه‌ترین شکل ارتباط است، در مقیاسی بین‌المللی و به‌نحوی که طرف‌های مکالمه ناشناخته باقی می‌مانند انجام می‌شود بدین ترتیب که سخن‌گویان به راستی از یکدیگر پنهان‌اند. برحسب دیدگاه‌تان این امکان می‌تواند پیشرو و جسورانه یا برای آنان که مکالمه عادی نشانه سنگینی یک بار اجتماعی است، جان‌شینی تأسف بار باشد. به‌علاوه تمامی این شکل‌های تعامل از یک وجه تمایز برخوردارند: می‌توان از آنها به‌عنوان شالوده‌ای برای پی‌ریزی به اصطلاح «جماعت‌های مجازی»<sup>۱۶</sup> استفاده کرد؛ منظور جماعت‌هایی است که بر مبنای مبادله پیام در یک شبکه کامپیوتری ایجاد می‌شود. مادامی که فرد توان صحبت داشته باشد، شبکه موجود میزان تعداد بی‌شماری از چنین جماعت‌هایی خواهد بود و به لحاظ لحن موضوعات بحث می‌تواند به‌شدت ساده‌نگرانه و یا به لحاظ سیاسی جدی باشد. البته صفت «مجازی» اغراق‌آمیز است. زیرا از هنگامی که انسان بر موانع گفتاری غلبه یافت، و با اختراع نوشتار موفق شد مخاطبین بیشتری را جذب کند، بودن اینکه نیازی به مجاورت فیزیکی باشد، می‌توان نتیجه گرفت که شبکه‌های کامپیوتری چیز تازه‌ای خلق نکردند، گرچه بی‌تردید سازمان‌دهی و نگه‌داری آن‌را آسان‌تر ساختند.

#### دمکراسی مستقیم؟<sup>۱۷</sup>

شرایط دمکراتیک این تکنولوژی‌های جدید متکی بر این ظرفیت‌ها است. با یک کامپیوتر کوچک اطلاع‌مقدمانی از نرم‌افزار مربوط و یک مودم که دسترسی به خط تلفن را امکان‌پذیر می‌کند، می‌توان پیام‌ها، داده‌ها، تصویرها و صداها را به هر پایانه بین‌المللی دیگر منتقل و یا از آن دریافت کرد. امکاناتی که این امر برای سازمان‌های سیاسی می‌گشاید با استفاده افسانه‌ای فرمانده مارکوس سخن‌گوی زاپاتیست‌ها از تکنولوژی اطلاعاتی نشان داده شد. وی با ارسال پیام‌های خود در

اینترنت عملاً رسانه‌های سنتی را کنار گذاشت.

تکنولوژی‌های جدید به عنوان ابزارهای سازمان‌دهی بی‌تردید قدرتمند هستند و ارتباطات بین‌المللی را سریع، آسان و ارزان می‌کنند؛ و خبرنامه‌ها و درخواست‌های بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌کنند؛ امری که خطوط تلفن قدیمی را نسبتاً شگفت‌انگیز می‌نماید. اما برای هدف‌های سازمانی این تکنولوژی به لحاظ سیاسی خنثی است، زیرا همان کمکی را که به افراد صاحب قدرت می‌کند به دیگرانی ارائه می‌کند که می‌کوشند در برابر قدرت مقاومت کنند. ادعاهای سیاسی راستین نسبت به تکنولوژی‌های جدید در این باور نهفته است، این تکنولوژی‌ها دسترسی به اطلاعات و یک شکل بین‌المللی تعامل را امکان‌پذیر می‌کند که به لحاظ سیاسی خنثی نیست و ذاتاً دمکراسی‌زا است. زیرا اگر بحث آگاهانه از نوعی کم و بیش بی‌مانع لازمه حیات دمکراتیک باشد، آن‌گاه یک تکنولوژی که آن را ترویج کند صرفاً می‌تواند به نفع نیروهای دمکراتیک اقدام کند.

با مطالعه شگفت‌زدگی‌های ذوق‌زدگان تکنولوژیک، درمی‌یابیم که آنچه آنها را هیجان‌زده کرده امکاناتی نیست که اینترنت برای شهروندان مسئول و متین فراهم می‌آورد، بلکه امکانات حیرت‌آوری است که برای ذوق‌زدگان حیرت‌زده آثارش می‌گشاید. تکنولوژی اینترنت به عنوان سیستم فرماندهی و کنترلی طراحی شد که می‌توانست در برابر یک حمله حرارتی - اتمی دوام آورد. دانشمندان با استفاده از روشی که به «پیام‌رسانی»<sup>۱۸</sup> مرسوم است، راهی برای انتقال اطلاعات یافتند که به وجود تسهیلات ارتباطی مرکزی وابسته نیست. یعنی هیچ نقطه مرکزی وجود ندارد که حداقل تا امروز بر ارتباط شبکه، کنترل و نظارت داشته باشد گویی رهایی از موانع مرکزی در خطوط سیستم جاری است. دومین علت هیجان‌زدگی، از ناامنی آشکارای همیشگی همه نظام‌های نرم‌افزاری ناشی شده است؛ ظاهراً هر تلاشی که نهادهای نرم‌افزاری دهند باز هم نمی‌توانند در برابر مهاجمان<sup>۱۹</sup> مصمم به



نفوذ در سیستم‌های شان مقاومت کنند. بنیاد مرز الکترونیک که بعد از حمله هم‌هنگ دولت به گروه متجاوزان بناشد، برای حفظ آزادی آشکار اینترنت از دست‌اندازی‌های شرکت‌ها و دولت وجود دارد.

اقتصاددانان سیاسی چپ‌گرا به ساده‌لوحی سیر، آنارشیست‌های بعدی را پاسخ دادند. آنان یادآوری کردند که ریشه‌های این تکنولوژی‌های جدید در قلب مجتمع‌های نظامی - صنعتی امریکا قرار دارند و هدف تحقیق و توسعه هرگز چیزی به جز استفاده‌های بازرگانی و نظامی نبوده است. هرچه سخاوتمندی شبکه‌های تحقیق دل‌گرم‌کننده باشد (که از آن میان سنت ارائه رایگان نرم‌افزار را بارها و بارها حیرت‌زدگان تکنولوژی نقل می‌کنند) این توسعه‌ای در حاشیه تکنولوژی جدیدی است که بخش اعظم توان آن صریحاً وقف تجدید ساخت صنعت سرمایه‌داری و حفظ کنترل نظامی و امنیتی شده است. کامپیوتر شخصی و شبکه، کاملاً می‌تواند در خدمت سیاست باشد؛ اما در وهله نخست و عمدتاً نیازهای دولت و شرکت‌های سرمایه‌داری است که شکل شبکه و ساختار تجهیزات محاسباتی را تعیین می‌کنند.

با توجه به انبوه پولی که صرف این کار شده، وضع دیگری نمی‌توان انتظار داشت. هزینه نسبتاً اندک کامپیوترهای شخصی و مودم‌ها، هزینه‌های وحشتناک تحقیق و توسعه کامپیوتری و نیز نصب و نگهداری زیرساخت شبکه را پنهان می‌کند. پول باید از جایی برسد، و اینجا به دولت فدرال و شرکت‌هایی مثل آی.بی.ام و ای.تی.آند تی<sup>۲۰</sup> تعلق دارد که به این پول به مثابه سرمایه‌گذاری برای سود آتی نگاه می‌کنند، نه برای گسترش دمکراسی. برای شرکت‌ها گذشته از همه چیز، این شکل جدید ارتباطی یک شیوه جدید بهره‌کشی است، که شکل‌های جدید کار و شکل‌های جدی نظارت (زیرا کامپیوترها می‌توانند به دقت دامنه کار را اندازه‌گیری کنند) و کار از خانه را امکان‌پذیر می‌کنند و باعث صرفه‌جویی در مخارج سربار می‌شود.

این تکنولوژی جدید حتی به عنوان یکی از اقلام مصرفی دارای محدودیت‌های

روشنی است. زیرا اگر چه وجه سرمایه گذاری شده به میزان پیشرفت کالاهای با تکنولوژی پیشرفته نیست، این وجوه کم هم به شمار نمی آید، و دلایلی وجود دارد که باور کنیم به جای گسترش دسترسی جامعه به ارتباطات، به یک شکل جدید آپارتاید ارتباطی دست می یابیم. زیرا درحالی که تکنولوژی جدید تصویری از پیشرفت ترسیم می کنند، منابع اطلاعاتی قدیم در حال کاهش (مانند کتابخانه های عمومی) یا خصوصی شدن (مانند جایگزینی شبکه های سنتی با تلویزیون کابلی) هستند. وقتی دستمزدهای واقعی بخش اعظم جامعه ثابت است، و یا کاهش می یابد، وعده افزایش دسترسی به اطلاعات به ازای بهایی، هرچند اندک، چندان جذاب نخواهد بود.

پس محدودیت های روشنی در دسترسی به منابع کامپیوتری و اطلاعاتی وجود دارد و مادامی که تکنولوژی های جدید امتیاز دنیای نظامی و شرکت ها باشد، وضع احتمالاً بدتر می شود، نه بهتر. وانگهی، طراحی سخت افزار و نرم افزار همچنان در جهت رفع نیازهای مالی جدید صنایع است، نه نیازهای سیاست دمکراتیک.

### اطلاعات قدرت است؟

اگرچه بی تردید نقد اقتصاددانان سیاسی درست است، اما به مفهوم دیگری آنان اصل مطلب را فراموش می کنند. زیرا نتیجه روشن بحث شان این است که اگر همگان از امکان دسترسی نسبتاً برابر به این تکنولوژی های جدید برخوردار باشند، آنگاه حاصل آن واقعاً دمکراتیک خواهد بود. اطلاعات بیشتر و دسترسی آسان تر به آن، به جامعه شهروندی آگاه تر می انجامد؛ یک جامعه شهروندی آگاه تر می تواند با توجه به امکانات اینترنت، از طریق شکل های تمام عیار و دفعات بیشتر مشاوره، نظرخواهی، فرصت صحبت عمومی، مشاوره الکترونیکی با اعضاء و نظایر آن قدرت بیشتری اعمال کند.

این برابر شماری نقطه ضعف اصلی بحث سیاسی در مورد تکنولوژی‌های جدید است. هیچ‌کس تردیدی ندارد که دسترسی به تکنولوژی‌های جدید به معنی دسترسی به منابع اطلاعاتی و به امکان سرعت، حتی بحث و مشاوره بین‌المللی است. اما آیا مسئله دمکراسی‌های لیبرال این است که فاقد اطلاعات هستند، و یا مثلاً این که رویه‌های رأی‌گیری بیش از حد دست و پا گیر است؟ چنین فکر نمی‌کنم. چامسکی، مبارز خستگی‌ناپذیر، یک بار اشاره کرد که برای پی‌بردن به ایدئولوژی دولت، نه نیازمند مهارتی تخصصی هستیم و نه لازم است به بایگانی‌های تخصصی دسترسی داشته باشیم؛ اطلاعات، عمومی و در دسترس است، و همه آن چه نیاز داریم شک‌گرایی و تمایل به یافتن ریشه‌های واقعیت است. وجود اینترنت و کامپیوتر شخصی دسترسی به اطلاعات را افزایش می‌دهد، و به لحاظ نظری «رأی‌گیری» را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کند، اما دسترسی به اطلاعات مسئله اصلی در وهله نخست نیست.

البته در بسیاری از موقعیت‌ها دسترسی به اطلاعات مشکل است، به ویژه وقتی که مسائل سیاسی با موضوعات علمی آمیخته می‌شود مثل موضوعات مربوط به آلودگی صنعتی، تأمین داروهای تولید انبوه شده، و مثل آن. اما نابرابری ساختاری قدرت سیاسی متکی بر نابرابری اطلاعات نیست: آنها که حاکم هستند از این رو حکومت نمی‌کنند که بیشتر می‌دانند. آنان، به رغم خودنمایی‌شان، معمولاً کمتر می‌دانند، اما حاکم‌اند، خواه بدانند که چه می‌کنند و خواه ندانند. شرکت‌های سرمایه‌داری می‌توانند به خوبی نیازهای اطلاعاتی نمایندگان سیاسی و دیوان‌سالاران خود را تأمین کنند، اما توان تأثیرگذاری آنها در وهله نهایی به کیفیت اطلاعات وابسته نیست. بلکه ناشی از توان آنها در ارائه یا عدم ارائه کمک به طرح‌های دولتی با گروه‌های سیاسی خاص است. نهادهای تجاری خصوصی و همکاران شبه عمومی‌شان دارای قدرت مالی و ساختارهای مدیریتی هستند؛ دولت

دارای نهادهای حقوقی و توانایی استفاده از نیروی قهر به هنگام نیاز است.

آنان بی تردید از دانش بهره می‌برند و نیازمند دسترسی مداوم به اطلاعات هستند، اما این شالوده قدرتشان نیست. رشد صنایع کامپیوتری جدید مبتنی بر «کامپیوتر شخصی» و نرم‌افزار جدید این مسئله را مغشوش کرده است. بیل گیتز<sup>۲۱</sup>، آخرین شمایل این نوع انباشت سرمایه، همچون شعبده‌بازی به نظر می‌رسد که هرچه می‌کند خوب است، گویی ثروت شخصی جادویی وی و موفقیت مالی اش ناشی از تخصص علمی - فنی او بوده است. اما صرف نظر از پشت کار علمی وی در ابتدای کار، گیتز موفق است، زیرا که به خوبی بر موج اخیر تجدید ساخت اقتصاد سرمایه‌داری سوار شده است. حتی او این کار را با ترکیب درست پشتیبانی مالی، ارائه محصولی هماهنگ با تغییرات در روش‌های تجاری، و نیز داشتن توان تغییر بازار به شکل مورد نیاز به انجام رسانده است. محصول اصلی گیتز، یعنی نرم‌افزار ویندوز، از هر لحاظ نه تازه است و نه به طور خاص عظیم، بلکه در واقع نسخه ضعیف‌تری از سیستم بسیار بهتر «مک‌این‌تاش» است.

همین محدودیت‌ها بر رؤیاهای نظرخواهی بی‌انتهای الکترونیکی حاکم است. فقدان قدرت مردمی در دمکراسی‌های سرمایه‌داری لیبرال، ارتباطی با تعداد دفعات رأی‌گیری ندارد؛ این فقدان برخاسته از یکسان شمردن قدرت مردمی و کنش رأی‌گیری است. با توجه به شکل و محدودیت‌های دولت سرمایه‌داری لیبرال، قدرت مردمی صرفاً نباید از طریق آرای صوری اعمال شود (خواه در مورد انتخاب نمایندگان و خواه در مورد همه‌پرسی) بلکه همچنین باید از طریق شکل تظاهرات سازمان‌یافته، اقدام اتحادیه‌ای، تحریم‌ها، و نظایر آن اعمال شود. آنان که افزایش کمی در رأی‌گیری را راه حل بیماری‌های دمکراسی می‌دانند، مشکل دمکراسی را واقعیت‌های «نمایندگی» می‌دانند، نه واقعیت‌های سرمایه‌داری. اما این واقعیت‌های سرمایه‌داری است که باعث می‌شود رأی‌گیری، فی‌نفسه در بهترین حالت

مشروعیت‌دهنده به راهبردها و سیاست‌هایی باشد که نخبگان برگزیده‌اند.

صرفاً یک داوری نادرست موقتی و یا نیاز به نجات‌بخشی در یک عصر تیره نیست که بسیاری از چپ‌گرایان خود را در مورد امکانات دمکراتیک این رسانه‌های جدید فریب می‌دهند. باور به آن چه تکنولوژی می‌تواند انجام دهد وابسته به درک نادرست ماهیت دولت‌های سرمایه‌داری لیبرال و قدرت سیاسی در واپسین سال‌های سده بیستم است. بنابراین بخش اعظم چپ‌گرایان پیش از این، حتی پیش از ظهور کامپیوتر شخصی و اینترنت، به برابر شمردن ناسنجیده دانش و قدرت در سرمایه‌داری متمایل بوده‌اند. نقد دهه ۱۹۶۰ «تکنوکراسی» کاملاً به درستی پرده از چهره منافع سیاسی و اقتصادی کسانی برداشت که مدعی بودند صرفاً مجری سرمایه‌داری در کارآمدترین روش ممکن هستند، اما گرایشی را فعال کرد که اقتدار علم را به مثابه الگوی اقتدار سیاسی دریافت، گویی که دولت در واقع شرکت رند<sup>۲۲</sup> به همراه نیروی مسلح و پلیس بود. در دهه ۱۹۸۰ این گرایش به برابر شماری «پسامدرنیستی» علم و اقتدارگرایی رشد کرد، که در آن صورت هر ادعایی در توصیف حقیقت و کذب امور به ناگزیر نخستین گام در جهت «گولاگ» است.

دولت‌ها و شرکت‌های سرمایه‌داری بی‌تردید از تحقیق و تجزیه و تحلیل نیرو می‌گیرند و وابسته به آن هستند. اما یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده طبقه حاکم سرمایه‌داری این است که می‌توانند نتایج تحقیق را بپذیرند و یا سرکوب کنند، و می‌توانند آن را نادیده بگیرند، یا اگر مناسب یافتند برطبق آن عمل کنند. دانش، علم یا فرهنگ، شالوده اقتدار آنان نیست، ابزار آن است، و صرفاً تنها ابزار نیست. در یکی از یادداشت‌های سردبیری یکی از بلندپروازترین مجلات (Mondo 2000) با یقین از این که مطلبی آوانگارد و جدید ارائه می‌شود این ادعا در مورد سرکردگی (هژمونی) شد که «نخبگان اطلاعاتی قدیم اکنون روبه زوال می‌روند». تردیدی نیست که نخبگان اطلاعاتی وجود دارند و ممکن است آنان از زمانی تا زمان دیگر،

رو به زوال گذارند. اما این نخبگان همان نخبگان سیاسی و اقتصادی نیستند - ما در جمهوری افلاطون زندگی نمی‌کنیم. گزافه‌گویی‌های شیفتگان تکنولوژی برخاسته از این باور آنان است که وقتی اطلاعات در دسترس باشد، قدرت سیاسی سقوط می‌کند، یا شاید در دستان بسیاری قرار می‌گیرد. اما اطلاعات پیش از این عمدتاً همواره وجود داشته است و اگر قدرت همچنان متمرکز است از آن روست که خود اطلاعات، کافی نیست.

ممکن است برای آنانی که معیشت‌شان وابسته به تولید اطلاعات است اطلاعات، کافی به نظر رسد. هانس مگنوس انزنس برگر<sup>۲۳</sup>، مقاله‌نویس آلمانی، زمانی گفت که ویژگی متمایز طبقات میانی علاقه آنها به نوآوری، نگارش، ابداع و خلق دانش است. آنها که از قدرت و ثروت بورژوازی سخت‌گیر برخوردار نیستند، خود را وقف تولید فرهنگ در وسیع‌ترین مفهوم این اصطلاح می‌کنند. وقتی داستان‌های افسانه‌ای رایج درباره ماجراجویی‌های «مهاجمان» کامپیوتری و روحيات غیرخودپسندانۀ متخصصان کامپیوتری را می‌خوانیم که انواع نرم‌افزارهای‌شان را بی‌شائبه ارائه می‌کنند، نمی‌توانیم از چنین تفکری دوری کنیم. دانشمند متخصص یا فن‌مداری که می‌پندارد دسترسی به حاصل کار وی کلید دستیابی به دمکراسی است، نقش خود را در طراحی‌ها نادیده می‌گیرد. برای کسانی که تصور می‌کنند در مرکز قدرت سیاسی قرار دارند، نه در حواشی آن، «مهاجمان» صرفاً همچون یک بازیگر سیاسی ظاهر می‌شوند. اما این دانشمندان نیستند که آی.بی.ام را می‌گردانند، این هیئت مدیره آی.بی.ام است و آنان تابع دستورات مقتدرانه سهامداران عمده آن هستند. دانش چیز بزرگی است و دنبال کردن آن کاری است شرافتمندانه. اما علت زندگی غیر دمکراتیک ما فقدان دانش نیست و فزونی آن، خواه در صفحه نمایش و خواه به صورت چاپی، سیاست دمکراتیک‌تر نمی‌آفریند. تکنولوژی‌های جدید نیروی محرک جامعه ما نیستند، این نیرو همچون

قبل، ضرورت سود است. تکنولوژی اطلاعاتی اکنون خانه‌زاد سرمایه‌داری به‌شمار می‌آید، اما نباید فراموش کرد که ریشه‌ای بسیار کهن تر دارد. سال‌های اخیر برای بسیاری از سوسیالیست‌ها و حتی سوسیال‌دمکرات‌های میانه‌رو نومیدکننده بوده است. در مواجهه با این همه شکست و این همه ناامیدی، این ایده که سرمایه‌داری تحول تکنولوژیک را بیش از حد و برخلاف میل خودش، به پیش می‌راند فریب‌دهنده است. چه کسی می‌تواند در برابر این «عدالت شاعرانه»<sup>۲۴</sup> تاب آورد که قدرت شرکت‌ها گورکن خود را به بهایی نازل و در شکل تکنولوژی پیشرفته در اختیار توده‌ها قرار می‌دهد؟ اما جذابیت عدالت شاعرانه، برخلاف عدالت حقیقی، آن بوده است که می‌توان به کناری نشست و نظاره‌گر پیشرفت آن بود. اما وقتی ساختار یک جامعه کاملاً وابسته به دمکراسی است، دمکراسی وابسته به یک نبرد و نیروهای اجتماعی است که با منافع، اراده و هوشمندی در جهت آن مبارزه کنند. بی‌تردید در این مبارزه تکنولوژی هم نقش دارد، اما هیچ راه میان‌بری ارائه نمی‌کند. نمی‌توان دمکراسی را از قفسه یک فروشگاه خرید یا آن را از شبکه کامپیوتری وب<sup>۲۵</sup> فرود آورد. دمکراسی شهادت، بردباری و سازمان‌دهی سیاسی می‌طلبد و تاکنون، همچنان که دیده‌ایم، میکروسافت هنوز نرم‌افزاری ارائه نکرده است که این چیزها را فراهم کند.

### پی‌نوشت‌ها:

1- Ken Hirschkop, Democracy and the New Technologies, Monthly Review (July-August 1996).

توضیحات زیر نویس‌ها عمدتاً از این مأخذ برگرفته شده است: میکروسافت، فرهنگ تشریحی اصطلاحات کامپیوتری، ترجمه مجید سماوی، کانون نشر علوم، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴.

2- Newt Gingrich

3- Gore

4- Electronic Frontier Foundation

5- Cyber-anarchists

۶- modem شکل مختصر اول دو عبارت modulation و demodulation است و منظور از آن وسیله‌ی ارتباطی است که کامپیوتر را قادر می‌سازد تا اطلاعات را از طریق خط تلفن معمولی مخابره کند.

۷- در واقع شرکت Apple Macintosh آنها را می‌ساخت. چندسالی است که این شرکت در آی.بی.ام ادغام شده، در واقع توسط این شرکت بلعیده شده است.

۸- graphical user interface نوعی قالب نمایشی که امکان فرمان‌ها، شروع برنامه‌ها و دیدن فهرست پرونده‌ها و عملیات دیگر، با اشاره شمایل‌ها و فهرست‌های موجود در صفحه نمایش را برای کاربر فراهم می‌کند. در این موارد، گزینه‌ها را می‌توان به وسیله‌ی ماوس یا صفحه کلید فعال کرد.

۹- symbol-oriented language یک زبان کامپیوتری که برای شکل بخشیدن به دستورالعمل‌ها از نمادها و تصاویر استفاده می‌کند.

۱۰- user-friendly به مفهوم سهولت قابلیت فراگیری یا استفاده است.

۱۱- computer conversation یک نوع حالت عملیاتی در کامپیوترهای شخصی که در آن کاربر کامپیوتر و سیستم نرم‌افزاری با ارائه فرمان‌ها و پاسخ‌ها با هم گفتگو می‌کنند.

12- interaction

13- discussion lists

14- bulletin boards

15- real-time

16- Virtual communities

17- On-line

18- Packet-switching

۱۹- hacker در اصل به معنی شخصی است که علاقه بی‌اندازه‌ی بی‌ برنامه‌نویسی و تکنولوژی کامپیوتری دارد. در دهه ۱۹۸۰ که شبکه‌های کامپیوتری تلفنی شکل گرفت، این اصطلاح یک مفهوم منفی پیدا کرد و اغلب به شخصی اشاره داشت که به‌طور مرموزی کامپیوترهای دیگران را مورد تهاجم قرار داده و برنامه‌ها و داده‌های ذخیره شده در آنها را بدون اجازه زیرورو می‌کند. این نام همچنین به شخصی اطلاق می‌شود که ورای برنامه‌نویسی می‌خواهد به رمز و راز سیستم‌های عامل و برنامه‌ها پی ببرد.

20- AT&T

۲۱- Bill Gates مدیرعامل میکروسافت.

22- Rand corporation

23- Hans Magnus Enzenberger

24- Poetic justice

25- World Wide Web